

بررسی و شناخت جرایم وابسته به جهانگردی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۵/۲۰)

میثم بهر مند

محقق و پژوهشگر

چکیده

انسان موجودی اجتماعی است و به لحاظ نیازهای غریزی و فطری به حضور در یک اجتماع نیاز دارد تا قابلیت‌های ذاتی خود را به منصفی ظهور رساند. اگرچه براساس مقتضیات زمانی و مکانی، نوع روابط انسانها با یکدیگر متفاوت است و این روابط همواره در حال تطور و دگرگونی است، اما مهم این است که انسان گزیر و گریزی از حضور در جمع همگان و یا هموعان خویش ندارد. شایان ذکر است که این حضور همیشه منوط به جمعیت، گروه و یا طبقه خاصی از انسانها نیست، بلکه گاهی به تناسب وضعیتی که در آن قرار گرفته، بر آن می‌شده تا به هر دلیلی با سفر، خود را بیازماید و در جمع افراد ناهمگن خود را محک بزند. این سفر کردن و جابه‌جایی همراه با آثار و تبعاتی است و یکی از این تبعات می‌تواند جرم زایی باشد. گوناگونی را می‌توان تعالی انسان و پیچیدگی روابط اجتماعی و انسانی او دانست. گاهی نیازهای مادی (چنان که پیش از این یاد شد) عاملی محرک و مهم برای سفر به شمار آمده و می‌آید و گاهی نیز نیازهای معنوی همچون هنر آموزی و کسب علم، عامل مؤثر سفر شمرده شده و یا می‌شود.

واژگان کلیدی: جرایم، جهانگردی، روابط اجتماعی، مجازات،





بخش اول: مفهوم و معنای جهانگردی

ابتدا باید بدانیم که جهانگردی چیست؟ و جامعه‌شناسان از آن چه تعریف یا تعاریفی به دست داده‌اند؟ وقتی قصد داریم که تأثیر سفر و جهانگردی را بر جرم بررسی کنیم بی‌گمان بایستی معنای جهانگردی را بدانیم و بر سیر تأثیرات آن، بر وقوع جرم وقوف یابیم. در انگاره‌ی فرهنگ‌نویسان، جهانگردی واژه‌ای است فارسی، به معنای گردیدن به دور جهان. و جهان‌گرد به مفهوم جهان‌گردنده است، آنکه در اقطار عالم بسیار سفر کند، آمده است واژه‌های جهانگردی و جهانگرد در واقع برگردان فارسی سیاحت و سیاح است و جهانگرد، کسی است که گرد جهان می‌گردد و زیاد سفر می‌کند چنان که خواهی راز فرماید:

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی صوفی نشود صافی تا سر بکشد جامی

در زبان فارسی و در میان مردم تفاوتی میان جهانگردی، جهانگرد، مسافرت و مسافر وجود دارد. در واقع امر کمیّت دفعات سفر و حرکت و جابجایی مردم و مدت زمان آن موجب اختلاف میان مفهوم جهانگرد و مسافر گردیده است. در سال ۱۹۳۷، هیأت کارشناسان آمار جامعه‌ی ملل، در جهت تعریف جهانگرد اقدام نمود. به نظر این هیأت به همه افرادی که به منظور تفرّن و لذّت بردن، بیشتر از ۲۴ ساعت و کمتر از یک سال، محل اقامت خود را ترک کنند، جهانگرد گفته می‌شود. هم اکنون نیز بر پایه‌ی تعریف سازمان جهانی جهانگردی، جهانگرد کسی است که به سرزمین یا کشور بیرون از جایگاه همیشگی زندگی و کار خود، سفر کند و دست کم یک شب یا نهایتاً کمتر از یک سال در آنجا می‌ماند و دلیل عمده سفرش، اشتغال به کاری برای دریافت دستمزد نباشد. دو تن از استادان سوئسی به نام‌های کورت گرات و ویلیام، اعتقاد دارند: «جهانگردی، عبارت است از مجموعه فعالیت‌ها، پدیده‌ها و روابطی که از مسافرت و اقامت مردم در جایگاهی غیر از جایگاه همیشگی زندگی و کار خود به وجود می‌آید و این امر، تا زمانی صادق است که اقامت موقت باشد و در بر گیرنده اشتغال موقت نیز نشود. بدین شکل جهانگردی را شناختیم و دریافتیم جهانگرد یا مسافر با



کسی که به صورت موردی به سفر می‌رود متفاوت است. در جهانگردی با فردی رو به رو هستیم، که بیش از حد متعارف سفر می‌کند و به گشت و گذار می‌پردازد.

بخش دوم: زمینه‌های پیوند جرم و جهانگردی

جهانگردی یک پدیده‌ی اجتماعی و انسانی است و جرم هم، به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی و انسانی می‌تواند با پدیده‌ای همچون جهانگردی، ارتباط داشته باشد. بنابراین بهتر است در وهله اول انسان را عمیق‌تر و روانشناسانه‌تر مورد بررسی قرار دهیم. انسان پس از تولد و رشد و نمو جسمانی به تدریج خود را می‌شناسد. اینکه در چه نقطه‌ای از دنیا زندگی می‌کند. از چه کشور یا جامعه‌ای است؟ کشور او، چه آداب و رسومی دارد؟ این جامعه و نهاد اجتماعی که در آن تولد و نشو و نما یافته به چه سلسله ارزش‌ها و اعتقاداتی پایند است؟ موضوع‌هایی هستند که در جای خود می‌تواند مورد بحث و فحص قرار گیرد. آنچه از رهگذر تحقیقی می‌توان بدان پرداخت وضعیت کودک و اساساً انسان از دید تربیتی و روانشناسی آنهم از دید نگارنده این اثر است. انسان به تدریج می‌آموزد و رشد می‌یابد تا بدانجا که فرهنگ‌ها و سایر جوامع بشری رابه نوعی مقابل خود و آموزه‌ها و فرهنگ نهادینه شده‌ی خویش می‌بیند و اما به تدریج و از طرق مختلف، فرهنگ‌های به تقابل نشسته با فرهنگ خود را می‌شناسد. آنچه پس از مرحله‌ی خویش‌شناسی در زندگی کودک رخ می‌دهد تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات است که در طول مدت زمانی معین به وی القا شده است. اما واقعیت مهم اجتماعی و تردید ناپذیر دنیای امروز، این است که دنیا، خودآگاه یا ناخودآگاه رو به روی یک فرهنگ جهانی گام بر می‌دارد. وسایل رفاهی برای سفر و تنوع و کثرت آنها، خود یکی از عوامل مهم و بسیار اساسی در ارتباط مستقیم و رویارویی فرهنگ‌ها با یکدیگر تواند بود. بی‌شک غلبه و پیروزی یک فرهنگ بر فرهنگ دیگر، از حیث الگوهای رفتاری می‌تواند قابل تأمل و در خور توجه باشد. شاید طرح این موضوع تحقیقی در دهه‌های گذشته‌ی جامعه ایرانی چنان که باید، شایسته و بایسته نبود اما وقتی از جامعه‌ی نوین ایرانی سخن می‌گوییم مراد جامعه‌ای است که رویکردهای رفتاری‌اش ما را به این سو هدایت می‌کند که نقش صنعت و ارتباط جرم و



جهانگردی را بیش از پیش برجسته می‌کند. بنابراین اگر جهانگردی وجود نمی‌داشت جرم، از حیث کمی تا چه میزان کم می‌شد یا اگر این پدیده اجتماعی بیشتر از پیش در جامعه ی ایرانی تقویت می‌شد، آیا می‌توانستیم با آمار رو به کاهش جرم در ایران رو به رو باشیم؟ البته به این پرسش‌ها قاطعانه نمی‌توان پاسخ داد اما در حد پاسخگویی به فرضیه‌ها و در محدوده ی ترسیم شده در ذهن و زبانمان قدم بر می‌داریم چرا که موضوع، در این گستره، بسیار پیچیده و قابل بحث و بررسی است. بنابراین نگارنده در این راستا در مقام تحقیق برخواهد آمد و کار خود را به انجام خواهد رساند. یکی از وجهه‌های اجتماعی زندگی بشر، سفر کردن است و همین موضوع یعنی سفر سبب می‌شود بر حجم اطلاعات و داده‌های یک فرد افزوده گردد شخص، در مقام تجزیه و تحلیل اطلاعات و اصولاً در مقام رد یا اثبات فرآیندهای مورد نظر، عمل می‌کند. پس نمی‌توان با نقل مکان یک فرد و مشاهده ی رویدادها و اتفاقات و آشنا شدن با بسیاری از فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها قائل به عدم تأثیر مسأله سفر در فرد شد و اصرار بر آن داشت که فرد و روحیات و باورهای او بدون اندک تغییری طی مسیر می‌نمایند. چه آدمیانی که با سفر رفتن و اصرار بر آن به عنوان یک پدیده اجتماعی، بستر ساز تحولات بسیار عظیمی در جسم و جان خود بوده‌اند و دگرگونی‌های شگرفی پذیرفته اند. نمونه ی اینگونه افراد در جوامع بشری فراوان است و در طول این پژوهش به برخی از آن‌ها، می‌توان اشاره کرد.

بخش سوم: جهانگردی از منظر جرم‌شناسی

« از نظر جرم‌شناسی هیچ حادثه‌ای از قول به فعل تبدیل نمی‌شود مگر اینکه علت آن پدید آید به همین خاطر وقوع پدیده‌ی مجرمانه ناشی از علل مؤثر در بروز و پیدایش آن است و با این باور با سعه‌ی صدر به دنبال چنین علتی است تا بتواند راهی برای مبارزه با علل تبهکاری یافته و با رد کردن این علل و انجام اقدامات لازم، جلوی بروز معلول نیز گرفته شود. » از یک منظر، برای رخ دادن سفر می‌بایست علتی وجود داشته باشد و از منظر دیگر، سفر می‌تواند علت وقوع جرمی باشد. پس با این نگاه، علت وقوع جرم را از طریقی که از مقوله سفر می‌گذرد بحث و بررسی می‌کنیم به نظر می‌رسد با این نگاه همه جانبه، می‌توان به نتیجه‌ی



علمی و منطقی تری دست یافت. اینکه چرا انسان به سفر دست می یازد نکته مهمی است. " آدمیان خاصه در سده ی کنونی کمتر در زادگاه خود برای همیشه استقرار می یابند. استعداد های گوناگون، موقعیت های مناسب، میل به زندگی بهتر و آمیزش با مرام برتر، تحصیلات بیشتر، ازدواج، کار و کسب ثروت، محیط مناسب و مساعد برای درمان و گذراندن دوران نقاهت، ناسازگاری، منازعات، قحطی، شورش، جنگ، فرار از انتقام، فرار از بدنامی و مسائل دیگر موجب می شوند که انسانی زادگاه خود را موقتاً یا برای همیشه ترک گوید و به شهر یا استان دیگر رو آورد و یا آنکه موقتاً از میهن خویش به کشوری بیگانه کوچ کند و یا آنکه ترک تابعیت گوید. بررسی علل مهاجرت مورد توجه جامعه شناسان است. علت مهاجرت هر چه باشد محققان جامعه شناسی جنایی کوشیده اند تا صرفاً تأثیر درون کوچی و برون کوچی را در تقلیل یا افزایش تبهکاری خاستگاه و مقصد جدید بررسی نمایند. " باید گفت: آنچه در این فصل قابل اهمیت به نظر می رسد این است، که فرد به چه منطقه ی جغرافیایی از مناطق فرهنگ و آیین غیر بومی سفر می کند؟ این مسأله و پاسخ آن در میزان وقوع جرم و آنچه در تغییر ایده و نگاه مؤثر است آنقدر برجسته به نظر می رسد که نگارنده بر خود فرض می داند بدان بپردازد. مسلماً سفر یک ایرانی به نقاط خاصی از دنیا یا به کشورهایی که جرم در آن ها به وفور صورت می گیرد به مراتب تأثیر گذارتر از مناطق یا کشورهایی است که جرم در آن ها به ندرت اتفاق می افتد. فرض کنید که یک ایرانی، به کشوری که در آن آمار جرم سرقت زیاد است، به وفور سفر کند، بدیهی است، چنین فردی شیوه های ارتکاب این جرم و خلاصی از چنگال قانون و اجرای مجازات را بهتر می شناسد تا فردی که اصلاً به این مناطق خاص، سفر نکرده یا به مناطقی سفر کرده که این جرم در آن محقق نمی شود. بنابراین وضع اخلاقی و اعتقادات مذهبی و وضع اقتصادی هر جامعه مختص همان جامعه است و هر جامعه از این حیث با جامعه ی دیگر متفاوت است. بنابراین، این مقوله در خصوص افزایش یا کاهش وقوع جرم به عنوان علت، اثرگذار است به گونه ای که سفر به هر منطقه و اجتماعی که مختصات خاص



خود را دارد به تناسب در افزایش یا کاهش جرم تأثیرگذار است و پایه‌ی بحث ما گمارده می‌شود. مثلاً سفر افراد ایرانی به سرزمین وحی الهی قاعدتاً نمی‌تواند عامل جرم‌زایی برای آنها بشمار آید. زیرا حال و هوای معنوی آن دیار از سویی و آموزه‌های دینی و فرهنگی افرادی که به این وادی سفر کرده‌اند تا حدود زیادی از وقوع جرم جلوگیری می‌کند. به دیگر سخن، از منظر پیشگیری جرم که بنگریم، با تقویت فرهنگ و آیین بومی و دینی، فرد از طریق دریافت محیط دینی و درک حال و هوای سرزمین وحی، انجام جرم و گناه را در آن سرزمین به مراتب قبیح‌تر از انجام همان عمل در زمان اقامت در وطن، می‌پندارد. اما سفر ایرانی به محله‌های فحش‌زده‌ی کالیفرنیا که در آن، فقر و فحشا یک جریان عادی و روزمره محسوب می‌شود از قبح این عمل ضدانسانی و غیراخلاقی، در ذهن آدمی می‌کاهد و زشتی آن را تا حدودی از میان می‌برد، زیرا امکان دارد مداومت سفر فرد ایرانی به چنین سرزمین‌هایی، به تدریج انگاره‌ها و آموزه‌های نهادینه شده‌ی دینی را تحلیل برد و امری مطرود و فاقد ارزش، تبدیل به ارزش شود و فرد مسافر به تدریج به سوی انجام جرم (زنا و جز آن) گام بردارد. از سوی دیگر هوای - نفس و حالات روانی و جسمانی انسان را نباید از یاد برد که فراهم بودن بستر فعل مجرمانه، خود عامل و علتی برای ایجاد جرم و گناه بشمار می‌رود. وقتی در ایران حمل و عرضه مشروبات الکلی، جرم انگاشته شده، همین امر (در دسترس نبودن نسبی مشروبات الکلی) تا حدودی از وقوع جرم جلوگیری خواهد کرد. حال، وقتی در عرصه‌ی فرهنگ‌های غیر بومی، مشروبات الکلی به سهولت در اختیار عموم قرار می‌گیرد، همین امر، موجب می‌شود تا مسافر ایرانی پس از حضور در کانون فرهنگ‌های غیربومی به استعمال مشروبات الکلی یا علی‌الاصول ارتکاب جرم‌های دیگر دست زند. پس سفر در ذات خود، از حیث جرم‌شناسی اهمیت زیاد دارد. با مقایسه‌ی فرضی دو نقطه از دنیا، (سرزمین وحی و ایالت کالیفرنیا)، دانستیم که بسته به اینکه فرد ایرانی به چه منطقه‌ای سفر می‌کند، می‌تواند انجام جرم محقق شود. یکی از نویسندگان، ذیل بحث عوامل محیطی موثر در بزهکاری، موضوع تغییر ارزشها را به میان کشیده در این باره چنین گفته است: «انسانهای امروز در چهارراه سرگردانی و تضاد ارزشها گرفتار آمده‌اند و نمی‌دانند به کدامین سو حرکت می‌کنند. جوان امروز در این شرایط با



مشکل بحران هویت روبه روست»^۱ بنابراین سفر به عنوان یک علت جرم شناسانه، می تواند ارزشهای نهادینه شده را با ضد ارزشها و یا با آیین و فرهنگ های غیربومی به تقابل بنشانند. این مسأله در بحث فرار نوجوانان هم مصداق دارد، که نوجوانان تحت تأثیر عوامل محیطی و تکنولوژیکی، رفته رفته، فرایندهایی از فرهنگ های بیگانه را دریافت می کنند که با آموزه های آیین و فرهنگ بومی آنان در تضاد است. اصرار خانواده ها برای ترک این گونه آموزه های غیربومی نیز ممکن است موجب فرار آنان از خانه گردد. به دیگر بیان بر اثر سیطره ای که فرهنگ و آیین غیربومی بر ذهن و اندیشه فرد ایرانی دارد، میل به اجرایی نمودن فرهنگ و آیین غیربومی در مرزهای سیاسی کشور، در وی به وجود می آید و آنجا که قوای قهریه با این امر به تقابل برمی خیزد نتیجه ای جز فرار از خانه یا خانواده، عاید نمی شود. بنابراین گریز نوجوانان از خانه، یکی از موضوع های مهمی است که می تواند در جرم شناسی مورد تحلیل قرار گیرد در این بخش سفری را مورد بحث قرار دادیم که در نتیجه ی سلطه ای که فرهنگ و آیین غیربومی از طریق رسانه های جمعی و.... بر فرد ایرانی می یابد، رخ می دهد. یعنی در نگاهی، تغییر ایده ها و اصولاً تبدیل ارزش ها به ضد ارزش ها بر اثر سفر روی می دهد و در نگاه دیگر همانگونه که در بالا ذکر شد، این جریان، یعنی سلطه ی فکری و فرهنگی از طریق رسانه های جمعی و فضاهای سایبری، در راستای تغییر ارزش ها به ضد ارزش ها رخ می دهد. تا آنجا که فرد ایرانی که مورد تهاجم فرهنگی قرار گرفته، محیط جغرافیایی فرهنگ و آیین بومی خود را محیطی تنگ و طاقت فرسا می داند به گونه ای که سفر را برترین گزینه برای تمایلات و خواسته های فرهنگ و آیین غیربومی می داند.

بخش چهارم: رابطه علی و معلولی جهانگردی و جرم

سوال این است که چه جرایمی بر اثر جهانگردی می تواند محقق شود. پیرو بحثی که به میان آمد، یعنی تغییر هنجارها و ارزشها و به تبع آن، وقوع جرم یا جرایم و اصولاً این که چه جنسی از جرایم می تواند محقق شود؟ آنچه در این بخش مورد بررسی قرار می گیرد همچنان از نگاه

۱- سلاخی، جعفر- اساس و مبانی جرم شناسی - ص ۱۴۹



جرم‌شناسی است. اینکه در فرایندی که از آن به تفصیل یاد شد چه جرم و یا جرایمی محقق می‌شود. آنچه در بدو امر به ذهن متبادر می‌شود این است که نمی‌توان اصرار داشت که جهانگردی به عنوان یک مقوله‌ی اجتماعی صرفاً بر جرایم خاص و معدود و انگشت‌شماری از حیث زایش و وقوع جرم علت به شمار می‌رود یا تأثیرگذار است. اما از طرفی نمی‌توان فراموش کرد که جهانگردی نمی‌تواند در خصوص هر جرم و بزه‌ی که ما از آن یاد می‌کنیم، عامل به شمار رود و یا عامل تأثیرگذار باشد. به هرروی باید از قاعده‌ی نسبت به موضوع نگریست که در برخی جرایم جهانگردی علت جرم و یا عامل تأثیرگذار است و در برخی جرایم هیچگونه رابطه‌ی علی- معلولی بین جرم و جهانگردی برقرار نمی‌شود. برای وقوع هر جرم می‌توان علت‌های عدیده‌ای را ترسیم کرد اما در این میان جهانگردی نیز یکی از علل وقوع جرم به شمار می‌رود. اما سوال این است آیا جرمی را می‌توان متصور شد که بر اثر جهانگردی به وقوع بپیوندد یعنی بر اثر جهانگردی به آن معنای جامعه‌شناسی که گفته شده است؟ آنچه در این عرصه تحقیقی می‌توان به آن توجه داشت جرایمی است که بر اثر تعاملات و مناسبات اجتماعی رخ می‌دهد. اگرچه نباید از نظر دور داشت جرمی همچون شرب خمر می‌تواند بر اثر جهانگردی به عنوان زمینه وقوع جرم به وقوع بپیوندد. اما آنچه در این میان رنگ بیشتری دارد دسته‌ی اول جرایم است. بدون شک آیین و فرهنگ غیربومی قلب تپنده‌ی فرهنگ و آیین بومی، که همانا اخلاق و دین است را نشانه رفته است. به نظر نگارنده هرچقدر اخلاق و دین، عمل یا ترک فعل را قبیح بداند به همان مقدار فرهنگ و آیین غیربومی برای شکستن قبح آن، تلاش و جدیتی قاطعانه به کار می‌گیرد. فرهنگ و آیین بومی برای عملی همچون زنا مجازات سنگسار در نظر گرفته است چرا که این عمل از سوی شرع مقدس اسلام در حد حرمت به شدت نهی شده است. کما اینکه اعمال منافی عفتی همچون لواط و یا مساحقه و از این قبیل از منهیات قوی دین مبین اسلام است و طبیعتاً نگاهی که شرع مقدس اسلام داشته، نظام سیاسی به جرم‌انگاری این قبیل گناهان کبیره پرداخته است و در حالی که این اعمال در برخی جوامع دیگر مباح شمرده می‌شود. توریست ایرانی این ضد ارزشها را به خاک خود حمل می‌کند و با آن به عنوان پدیده‌ای عادی برخورد می‌کند و این ماجراجویی



بزهکارانه تبدیل به یک پدیده مجرمانه می‌گردد. فرهنگ و آیین بومی، میل جنسی را که یکی از غرایز آدمی به شمار می‌رود در قالب عقد نکاح برده است و نهادی را به وجود آورده که از آن به عنوان خانواده یاد شده است. مقدس‌ترین نهاد در شرع مقدس اسلام خانواده است و در این خصوص روایات و توصیه‌های دینی فراوانی مبنی بر ترغیب تشکیل این نهاد حسنه وجود دارد. حال آنکه جغرافیای فرهنگ و آیین غیربومی در قالب چهارچوبی که نظام سیاسی ترسیم کرده است روابط آزاد و فرهنگ برهنگی را ترویج می‌دهد. چرا که این فرهنگ هنوز سقوط اندلس و شیرینی آن را در ذهن خود ثبت کرده است پس دنیا باید به همان رنگی مبدل گردد که فرهنگ و آیین غیربومی نقش زده است. می‌توان یک شاهد مثال تاریخی را نیز به میان آورد و آن ماجرای بت پرستی در مکه است. آنگاه که حضرت رسول صلوات اله علیه از یک قدرت نسبی اجتماعی و دینی در مکه برخوردار گشت اولین پیشنهاد سران بت پرستی (ابوجهل و سایرین) به حضرت رسول (ص)، ثروت بود تا ایشان به عوض آن دست از تبلیغ دین مبین اسلام بکشند. آیا فی الواقع سران جهل آن روزگار به خدا بودن بت اعتقاد داشتند؟ خیر، بلکه ایشان به خودی خود می‌دانستند بت، (این موجود بی‌جان)، خدا نیست آنان به یاری این نمایشگاه مجسمه‌سازی هر ساله سیل عظیمی از مردم در جهل مانده را، به سرزمین وحی می‌کشاندند و همین امر سبب می‌شد این دروغگویان بزرگ تاریخ بشریت بتوانند کالاهایی که از دمشق و شام خریداری می‌کنند را با قیمتی گزاف به زائرین بت‌ها که از اقصی نقاط عربستان به مکه می‌آمدند، بفروشد و به همین دلیل بود که پیشنهادهای آنچنانی که بوی ثروت می‌داد به حضرت رسول (ص) داده می‌شد. ابن هشام می‌نویسد: "نخست که پیغمبر (ص) قریش را به پرستش خدای یگانه خواند متعرض او نشدند، دشمنی آنان هنگامی آغاز شد که وی بتان را نکوهش کرد آیات قرآن کریم نیز بدین کینه‌توزی اشارت دارد: «وإذا أراک الذین کثروا إن یتخذونک ألاً هُزُوا هذا الذی یدُکُرُ الهتکم و هم بذکر الرّحمن هم کافرون» هنگامی که کافران تو را می‌بینند ریشخندت می‌کنند این است آنکه خدایان شما را به



زشتی نام می‌برد؟ و آنان به یاد خدا کافراند.^{۱۱} (انبیاء ۳۶) پس در طول تاریخ بشریت موجی وجود داشته که همواره دین و اخلاق ناب را مورد هجوم قرار داده است و آن موج، موج یغماگری می‌باشد. این موج، هدفش غارت هر آن چیزی است که از آن به عنوان آیین و فرهنگ بومی یاد می‌کنیم، و نوک پیکان تیر متوجه فرهنگ بومی، اخلاق و دین ناب و مسائلی از این دست است. بویژه اخلاق و دین که خطری جدی برای گسترش فرهنگ و آیین غیربومی بشمار می‌رود. اما سؤال اینجاست که این فرهنگ چرا اینقدر با فرهنگ مشرق زمین یا فرهنگ و آیین‌های بومی مخاصمه دارد و با آن، کینه تیزی می‌کند.

بخش پنجم: جرایم وابسته به جهانگردی

آنچه تا بدین جا بدان پرداخته شد، از نگاه جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی بود یعنی نگاهی که به بن مایه‌ها و آثار سفر و جهانگردی در این عرصه تحقیق پرداخت تا کشف شود که تا چه حد سفر و پدیده گردشگری بر وقوع جرم تأثیر می‌گذارد؟ در قسمت‌های بعدی قصد بر آن است که بررسی شود چه جرایمی در قالب جهانگردی و صنعت توریسم قابل ارتکاب و یا تصور است. از جمله جرایمی که می‌توان در این عرصه به میان آید جاسوسی، ترور، اخلال در نظام اقتصادی، اخلال در امنیت ملی، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، هواپیماربایی، سوءقصد به جان مقامات سیاسی و ... است. اینکه این جرایم چه مشابهت‌هایی دارند، بحث مهم و نکته‌ی قابل توجهی است که بدان می‌پردازیم. آنگاه که به جرایم فوق‌الذکر، می‌نگریم به یک نکته بر می‌خوریم و آن، این است که پدیده‌ی گردشگری به عنوان عامل یاری رساننده در تشکیل و تکوین این جرم اثرگذار است یا به نحوی که اگر مقوله‌ای به نام سفر در این دسته جرایم وجود نداشته باشد جرم محقق نمی‌شود مثل جرم قاچاق انسان یا هواپیماربایی. آنچه در این بخش ارائه می‌شود جرایمی است که در قالب جهانگردی و پدیده‌ای اجتماعی چون سفر محقق می‌شود. در بخش‌های پیشین با این نگاه به جهانگردی و سفر نگرسته شد که این موضوع می‌تواند در شکل مثبت یا منفی سبب تغییر هنجارها و ارزشها در ذهن انسان ایرانی

۱- شهیدی، دکتر سید جعفر - تاریخ تحلیلی صدر اسلام - ص ۴۵



شود و به همان تناسب منفی یا مثبت در کاهش یا افزایش آمار جرم موثر واقع شود. حال به آن می‌پردازیم که سفر، گردشگری و جهانگردی که در افق دید تحقیق مان می‌باشند تا چه میزان با جرم ارتباط پیدا می‌کند؟ و تا چه میزان در وقوع جرم اثر می‌گذارد؟ قاعدتاً می‌تواند تأثیرگذار باشد؟ بدون شک جرایم برشمرده در فوق با سفر و گردشگری و جهانگردی آمیخته شده است و این آمیختگی در جرایمی همچون هواپیماربایی، قاچاق انسان به شدت قابل مشاهده است چراکه اگر سفر و اصولاً جابه‌جا شدن را از این دسته جرایم منها کنیم به نظر می‌رسد این جرایم قابل تصور نباشد یعنی بایستی فردی در قالب یک گردشگر یا توریست لباسی برتن کند و دست به هواپیماربایی بزند یا وقتی جرمی سازمان یافته همچون قاچاق انسان و یا قاچاق مواد مخدر و روانگردان را در ذهن ترسیم نماییم، در می‌یابیم فرد مجرم ابتدا دست به سفر می‌زند و سپس به تبع آن، مواد مخدر و قرص‌های روانگردان جابه‌جا می‌شود یا قاچاق انسان که در آن گروه‌های انسانی به مقاصد سودجویانه برای کار یا بهره‌کشی‌های جنسی از دیار خود به سرزمین‌های مورد نظر برای کار و یا اصولاً مقاصد از پیش تعیین شده انتقال داده می‌شوند و این انتقال انسان که بدون مجوز و غیرقانونی صورت می‌گیرد میسر نیست مگر با سفر کردن. یا جاسوسی که برای ایفای نقش خود، می‌تواند لباس توریسم برتن کند و وارد کشوری شود و به جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر بپردازد. اگرچه این جرم به گونه‌ای است که می‌تواند بدون سفر کردن هم محقق شود یعنی فردی که در یک کشور در تبعید است بدون انجام مسافرت به چنین جرمی دست بزند و با جمع‌آوری اطلاعات و انتقال آنها به فرد یا گروه یا نظام سیاسی مورد نظر برنامه خود را پیش برد. این جاسوسان برای موفقیت در گردآوری اطلاعات و دستیابی به منابع عظیم اطلاعاتی از سفر و جهانگردی بهره می‌برند که نمونه‌هایی برای آن می‌توان یافت. تاریخ سیاسی بشریت، ترورهایی را به یاد دارد که در آن فرد یا افرادی وارد مرزهای جغرافیایی کشور دیگری می‌شدند و در راستای اخلال در نظام سیاسی آن کشور به ترور مقامات سیاسی و یا نظامی آن کشور می‌پرداختند تا بتواند مقاصد از پیش تعیین شده را جلو برند. امروزه پدیده‌ی شرکت‌های هرمی که متأسفانه بر اقتصاد کشور ما، سایه افکنده، به گونه‌ای است که می‌توان آن را جرمی بین‌المللی دانست به گونه‌ای که



سرشاخه‌های اصلی شرکت‌های هرمی در کشورهای بیگانه قابل دریافت هستند پس بی‌گمان برای پیشبرد مقاصد سودجویانه و ارتباط بیشتر بین شاخه‌ها با سرشاخه‌ها جهت ارزآوری و سودبری بی‌وقفه از سفر و جهانگردی بهره برده می‌شود. پس با اشاره‌ای کوتاه به جرایم مورد نظر در این بخش بر آن بودیم که جایگاه سفر را در تکوین این دسته جرایم پیدا کنیم.

بند اول: قاچاق

تا قبل از تصویب کنوانسیون پالمو پروتکل قاچاق انسان توافق جهانی در مورد تعریف قاچاق وجود نداشت. بر این پایه گزارشگر ویژه سازمان ملل، در مورد خشونت علیه زنان در پنجاه و ششمین نشست کمیسیون حقوق بشر می‌گوید: در حال حاضر توافق جهانی در مورد تعریف قاچاق وجود ندارد و از سوی قاچاق به وسیله‌ی عوامل مختلف برای توصیف اعمالی به کار می‌رود که از مساعدت در مهاجرت داوطلبانه گرفته تا بهره‌کشی جنسی، انتقال افراد با توسل به زور، تهدید، اغفال، خشونت و ... به قصد انتفاع در نوسان هستند. در ۱۸ ژانویه ۱۹۹۸ پارلمان اروپا، قاچاق را به نحوی تعریف می‌کند که برگشت آن به قطعنامه‌هایی است که قاچاق را به زنان محدود می‌کنند. مطابق این تعریف، قاچاق انسان عبارت است از: عمل غیرقانونی شخصی که تبعه‌ی کشوری را به وسیله‌ی فریب یا اشکال دیگر، اجبار یا سوء استفاده از موقعیت آسیب‌پذیری وی و به قصد بهره‌کشی از او به طور مستقیم یا غیرمستقیم تشویق به ورود یا اقامت در کشور دیگر می‌کند. از بین تعاریفی که قبلاً ارائه شده بود، تعریفی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴، ارائه داد تا پیش از تعریف پروتکل قاچاق انسان، مصوب سال ۲۰۰۰ به صورت گسترده‌تری مورد پذیرش قرار داشت. طبق این تعریف، قاچاق انسان جابه‌جا کردن غیرقانونی و مخفیانه‌ای اشخاص، در سراسر مرزهای ملی عمدتاً از کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار با هدف نهایی واداشتن افراد به وضعیت‌های بهره‌کشانه و ستمگرانه از لحاظ جنسی و اقتصادی و نیز دیگر فعالیت‌های مرتبط با قاچاق همچون کار خانگی اجباری، ازدواج سفارشی، استخدام مخفیانه و فرزند خواندگی، سفارشی به منظور سود به کارگیرندگان، قاچاقچیان و سندیکای جنایتکار است.



جامعه بین‌المللی، نهایتاً در ماده ۳ پروتکل قاچاق انسان، پس از گفتگوهای طولانی این جرم را استخدام، حمل و نقل، انتقال، پناه دادن یا دریافت اشخاص با تهدید یا اعمال زور یا دیگر شکل‌های تحمیل، آدم‌ربایی، دسیسه، فریب، سوء استفاده از قدرت یا موقعیت آسیب‌پذیری از رهگذر داد و ستد پول یا منافع برای به دست آوردن رضایت فردی که بر شخص دیگری کنترل دارد به منظور بهره‌کشی تعریف کرد.^۱

قاچاق، یعنی انتقال پنهانی یک چیز از یک نقطه به نقطه دیگر همانگونه که می‌تواند به شکل‌های مختلف و تمهیدات پنهان‌سازی متنوع صورت گیرد می‌تواند گونه‌های مختلف داشته باشد. به عبارت دیگر بر اساس نوع چیزی که به صورت پنهانی از مکانی به مکان دیگر منتقل می‌شود می‌توان از قاچاق اسلحه، قاچاق مواد هسته‌ای، قاچاق اعضای بدن، قاچاق آثار فرهنگی، قاچاق حیوانات کمیاب و ... سخن به میان آورد.^۲

قاچاق انسان در سالهای اخیر به واسطه سود سرشار و خطر نسبتاً کم آن به سرعت افزایش یافته است بسیاری از کشورها هنوز مقررات ویژه‌ای برای مقابله با قاچاق انسان ندارند.^۳ صنایع میلیارد دلاری، در صدد این است که بچه‌ها را به صورت کالاهایی به شکل انبوه وارد بازار کند. در حقیقت فحشای کودکان، بخشی از صنعت توریسم جنسی در برخی مناطق جهان است. توره‌های در بست که هدفشان معطوف به فحشا است مردان را از اروپا، آمریکا و ژاپن به این نواحی می‌کشاند. جنبش‌های زنان آسیایی، اعتراضات عمومی خود را علیه این تورها سازمان داده‌اند ولی اینگونه تورها همچنان ادامه دارد.^۴

بند دوم: قاچاق زنان

شکل دیگر از قاچاق انسان، قاچاق زنان است که در این قسمت به جهت اهمیت آن، به صورت جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرد. در گذشته گفته شد گروه‌های انسانی برای بهره-

۱- ذاقلی، دکتر عباس - قاچاق انسان - صص ۲۷-۲۹

۲- معظی، دکتر شهلا - جرم سازمان یافته و راهکارهای مقابله با آن - صص ۹۶

۳- همان - صص ۱۰۰

۴- همان - صص ۱۰۴



کشی جنسی مورد قاچاق قرار می‌گیرند. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل چنین امری این باشد که قاچاق انسانها به ویژه زنان از قاچاق موادمخدر کم‌خطرتر و متحمل خسارات کمتری است زیرا معمولاً این زنان به اراده خود و با رضایت خاطر جابه‌جا می‌شوند و هنگامی که به مقصد رسیدند تازه متوجه می‌شوند که در دام سازمان‌های جنایتکار گرفتار شده‌اند. برای مثال یکی از اینگونه زنان که روسی فریب خورده‌ای است، می‌گوید: آنها من را به زمین بستند در دست‌هایم دستبند آهنی نهادند، بدون آب و غذا و سیگارها کردند. اگر تقاضایی می‌کردم می‌زدند. پنج روز در آن شرایط بودم تا مجبور شدم برای آنها کار کنم روزی ۲۵-۲۰ و گاهی ۳۰ مرد به من تجاوز می‌کرد. قاچاق زنان و کودکان تهدید جهانی است که ارتباط آن با جرم‌های سازمان یافته پیوسته روبه‌فزونی است هر ساله هزاران زن و دختر در سراسر جهان به صورت قاچاق از موطن خود به سوی تجارت غیرقانونی جنسی رانده می‌شوند.^۱ آنچه مهم است، اینکه از زن در سازمان‌های تبهکارانه استفاده‌های ابزاری فراوان می‌شود به گونه‌ای که گاهی از حیث جنسی بهره‌کشی می‌شوند و گاهی در قالب صنعت فیلم و فیلمسازی به عنوان قهرمان استفاده قرار می‌گیرند. و تمام آنچه موجب از بین بردن حیثیت اخلاقی و انسانی او می‌شود به کار گرفته می‌شود و گاهی از حیث جسمی در مزرعه‌های حاصلخیز آمریکا مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند. به هر روی این تجارت سودمند، امروزه در دنیا قوت بیشتری گرفته است کما اینکه متأسفانه در کشور ما ایران نیز با پا گرفتن معضلی به نام دختران فراری سیل عظیمی از این دختران، برای تمتع جنسی روانه‌ی آن سوی مرزها می‌شوند. سازمان بین‌المللی مهاجرت در بحث قاچاق زنان، فریب یا زور را الزام نمی‌داند بلکه هرگونه انتقال غیرقانونی یا مبادله برای منافع اقتصادی یا شخص دیگر را قاچاق زن می‌داند. «آمارهای موجود نشان می‌دهند که میان ۷۰۰۰۰۰ تا دو میلیون زن و کودک هر سال در سراسر جهان مورد قاچاق قرار می‌گیرند که حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر آنان در اتحادیه اروپا می‌باشند. هم‌اکنون اتحادیه اروپا تخمین می‌زند که حدود ۵۰۰۰۰۰ زن و دختر هر ساله به صورت مهاجر غیرقانونی، وارد

۱ - معظمی، دکتر شهلا - جرم سازمان یافته - ص ۹۹-۱۰۰



اروپا می‌شوند و سندیکاهای جنایتکاران قاچاق انسان را به گسترده‌ترین بخش کسب و کار خود بدل می‌سازند. هر ساله دهها مهاجر که می‌کوشند از کشورهای بالکان یا شمال آفریقا عبور کنند در سواحل ایتالیا و اسپانیا پیاده می‌شوند، از میان آنانی که به این کار دست می‌زنند هزاران نفر کارشان به کار اجباری روسپیگری یا انجام کاری بسیار سخت منتهی می‌شود تا بتوانند بدهی خود را به قاچاقچیان پرداخت کنند.^۱ «سازمان ملل متحد نبود کنترل کافی در طول مرز بوسنی با کشورهای کرواسی و یوگسلاوی را، یکی از مشکلات عمده در ارتباط با قاچاق زنان می‌داند. قیمت زن در کوزوو ۳ هزار یورو است و چنانچه به کشورهای اروپای غربی فروخته شود قیمتش بیشتر خواهد بود در کنار بوسنی و کوزوو، مقدونیه یکی از مهم‌ترین محورهای اصلی تجارت انسان به کشورهای اروپایی محسوب می‌شود به طور کلی به دلیل عدم کنترل مرزها، آمار دقیق از مهاجران غیرقانونی به بوسنی وجود ندارد اما به طور متوسط ماهانه یک تا سه هزار نفر برای رفتن به کشورهای مختلف اروپایی وارد بوسنی می‌شوند که اکثراً این افراد از کشورهای ترکیه، ایران، هند و تونس هستند. بر اساس گزارشی که به پارلمان ایتالیا داده شد، دهها هزار مهاجر غیرقانونی از ۵۰ کشور هر ساله به این کشور قاچاق می‌شوند و این کار را به یکی از پول‌سازترین کارهای غیرقانونی مافیای ایتالیا بدل می‌سازند.^۲ به طور کلی بحث قاچاق زنان در اسپانیا به معضل بزرگی تبدیل شده است و جالب این است که اکثر زنانی که در کشورشان به دام باندهای قاچاق می‌افتند نمی‌دانند برای چه سرنوشتی به اسپانیا منتقل می‌شوند و مسئولان باندها وقتی زنان به اسپانیا می‌رسند گذرنامه‌های آنان را گرفته ایشان را مجبور به اعمال خلاف می‌کنند.^۳ سازمان بین‌المللی مهاجرت می‌گوید که در آسیا مسیر اصلی تجارت زنان و کودکان از ویتنام به کامبوج، چین و سنگاپور است. بر اساس آمار موجود طی ۵ سال گذشته بیش از ۷۰ هزار نفر از دختران قزاقستانی به طور غیرعقلی به خارج از کشور فرستاده شده‌اند در حال خودفروشی و بردگی هستند. به گزارش

۱ - اشتری، بهار - قاچاق زنان - ص ۳۵

۱ - همان - ص ۳۶-۳۷

۲ - همان - ص ۳۹



سازمان بین‌المللی مهاجرت در سال ۱۹۹۹ نزدیک به چهارهزار زن، در آسیای مرکزی قربانی تجارت زنان شدند که یک سوم از آنان، به دیگر کشورهای جامعه مشترک المنافع منتقل شده‌اند مابقی نیز به خاورمیانه، چین و اروپا انتقال داده شده‌اند مسیر اصلی انتقال این زنان از قرقیزستان به قزاقستان است.^۱ اما آنچه در این میان سؤال است اینکه چه عامل یا عواملی سبب مهاجرت در موضوع قاچاق انسان به شمار می‌رود؟ کم و بیش در طول بحث قاچاق انسان و این بخش به علت و یا علل مهاجرت در قاچاق پرداخته شد. به نظر نگارنده علل گوناگونی می‌تواند عامل مهاجرت انسان در بحث قاچاق باشد اما از جمله علت یا علت‌های مهم این سؤال، می‌توان به مواردی همچون فقر یا تبعیض نژادی، اقتصاد سرمایه‌داری، صنعت، تعصبات قومی و قبیله‌ای و آیینی و ... اشاره کرد. بر کسی پوشیده نیست فقر می‌تواند علت بزرگی برای بسیاری از مفاسد اجتماعی به شمار رود تا حدی که ریشه‌کن شدن فقر به مثابه‌ی برخاستن بسیاری از معضلات از عرصه‌ی اجتماع است. از معصوم نقل است که می‌فرماید: «کادالفقران یکون الکفر» نزدیک است که فقر تبدیل به کفر شود. همین مسأله است که بسیاری از آشوب‌های اجتماعی را برپا می‌کند چرا که فقر یعنی نیازمندی. نیازی که سبب می‌شود به تدریج مبدل به فساد شود. هرچقدر فاصله میان طبقات اجتماع روزافزون شود فقر کارسازتر می‌شود تا سرحدی که تمنیات درونی انسان، کار را به جایی می‌کشاند که برای رفع نیاز ناگزیر گام نهادن در حریم خصوصی طبقه مرفه و متمکن، حق محسوب می‌شود. حقیقتاً ریشه‌ی بسیاری از خودفروشی‌ها و گرفتار آمدن در دام باندهای تبهکار یا قاچاق‌گر انسان و انتقال به کشورهای عربی و اروپایی، در چیست؟ بدون شک فقر عاملی است که حتی مهر پدر را نسبت به دختر یا دختران جوان خود می‌کشد تا به جایی که غم نان، پدر یا مادر را از اندیشه گمراه شدن فرزندان غافل می‌سازد. در برخی موارد حتی دیده شده است که پدر خانواده مبادرت به فروختن دختر جوان خود برای امرار معاش می‌کند و بدین نحو، مسیر برای انحطاط اخلاقی و یا گرفتار شدن در دام باندهای قاچاق آدمی گشاده می‌شود. «ساده‌ترین دلیلی که



می‌توان برای توضیح افزایش قاچاق زنان در سال‌های اخیر آورد سودآوری کلان است. در واقع قاچاقچیان به خوبی اطلاع دارند که سود بالقوه‌ی این فعالیت، که از آن به عنوان بردگی مهاجر یاد می‌شود بسیار بالاست^۱. ملاحظه می‌شود از آن سو سازمان‌های تبهکار به دنبال طعمه‌هایی هستند که بتوان با آنها سودآوری کرد. از یک سو فقر عامل محسوب می‌شود و از سویی دیگر سودآوری عامل محرکی برای باندهای تبهکار به شمار می‌آید. اما یکی از علت‌هایی را که می‌توان عامل مهاجرت در قاچاق انسان به شمار آورد، انحرافات جنسی است. دختران نوجوانی که با رضایتمندی تمام، جذب باندهای تبهکار می‌شوند. «برخی شواهد نشان دهنده‌ی این است که امروزه قاچاق اشخاص در میان انواع قاچاق، سریع‌ترین رشد را داشته است و توسط شبکه‌هایی اداره می‌شود که گاه گوی سبقت را از سندیکاهای جنایتکارانه، ربوده‌اند. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل چنین امری این باشد، که قاچاق انسان به ویژه زنان از قاچاق مواد مخدر کم‌خطرتر و متحمل خسارات کمتری است، زیرا معمولاً این زنان به اراده‌ی خود و با رضایت خاطر جابه‌جا می‌شوند و هنگامی که به مقصد رسیدند تازه متوجه می‌شوند که در دام سازمانهای جنایتکار گرفتار شده‌اند.^۲ یکی از مهم‌ترین دلایلی که قاچاقچیان را در تجارت جهانی انسان موفق می‌سازد آن است که دولت‌ها و سازمان‌های حقوق بشر تنها به داوری درباره‌ی زنانی می‌پردازند که به جرم روسپیگری محکوم شده‌اند به این ترتیب، نقش قاچاقچیان را کاهش داده و نادیده می‌گیرند.» به هر روی زنانی که قاچاق می‌شوند، به روسپیگری می‌پردازند. به نظر نگارنده فقر عامل اساسی در این میانه است. یکی از نویسندگان تحت علل روسپیگری، نوشته است: بر حسب تصور رایج در افکار عمومی علل اصلی ورود به روسپیگری عبارتند از اعتیاد، فقر شدید، کمی عزت‌نفس و مسائل عاطفی. بسیاری از این نوع علل، در حقیقت با کمبودهای شخصی، اجتماعی و روانی نیز آمیختگی دارند، این عوامل از بررسی شرایط زنان خیابانی نتیجه گرفته شده‌است. حال آنکه این عده با بقیه به طور کلی تفاوت دارند. با توجه به مطالعات پرکنیز در جهان غرب، مهم‌ترین دلایل ورود به روسپیگری

۱ - اشتری، بهاز - قاچاق زنان - ص ۶۳

۲ - معظمی، دکتر شه - جرم سازمان یافته - ص ۹۹



به ترتیب اهمیت عبارتند: از کسب درآمد بیشتر، بیکاری، کنجکاوای نسبت به خود و میل به روسپیگری، حمایت از خانواده، تأمین یک نیاز خاص (پرداخت بدهی، سفر)، تأمین هزینه اعتیاد، ایجاد تحرک در زندگی، حمایت از یک مرد، رهایی از خانواده و مستقل شدن و بالاخره لذت جنسی و کسب تجربیات دیگر.

بند سوم: جاسوسی

یکی دیگر از جرایمی که جنبه فراملی دارد، جرم جاسوسی است که می‌تواند در قالب جهانگرد و جهانگردی، صورت گیرد. «برخی از نویسندگان، قدمت تاریخی این جرم را، حداقل به زمان حضرت موسی (ع) برمی‌گردانند^۱». بهتر است از بیان یکی از نویسندگان، جاسوسی را بهتر بشناسیم.^۲ یکی از مصادیق بارز و قدیمی جرایم، علیه امنیت جرم جاسوسی است که معمولاً یک جرم سازمان یافته و در عین حال فراملی می‌باشد چراکه با ارتکاب آن، اطلاعات حیاتی یک کشور در زمینه‌ی امور نظامی، امنیتی و سیاسی از طریق یک نظام سازمان یافته و با استفاده از منابع انسانی نه ابزاری مثل ماهواره‌های اطلاعاتی در اختیار کشور یا کشورهای دیگر قرار می‌گیرد.^۳ بدون تردید حضور منابع انسانی در این میان مهم و در خور درنگ است به گونه‌ای که برای انتقال اطلاعات می‌بایست جابه‌جایی هم، پیرو آن صورت گیرد. «جاسوس در لغت به معنی جستجو کننده‌ی خبر، خبرکش، کسی که اخبار و اسرار شخصی یا اداری یا مملکتی را به دست بیاورد و به دیگری اطلاع دهد، می‌باشد. در اصطلاح حقوق، به عمل کسی که به صورت مخفیانه یا تحت عناوین نادرست برای تحصیل اطلاعات یا جمع‌آوری اشیایی صورت می‌گیرد جاسوسی گویند. بنابراین جاسوس کسی است که اخبار و اطلاعات کسی یا مؤسسه‌ای یا کشوری را مخفیانه جمع‌آوری نموده یا به دیگری بدهد.^۳ پرفسور گارو نیز در زمینه‌ی جاسوسی می‌نویسد: جاسوس، به معنی وسیع کلمه دو دسته

۱- میرمحمدصادقی، دکتر حسین- جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی - ص ۷۶

۲- همان - ص ۷۵

۳- شکری، رضا - قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی - ص ۳۹۴



اقدامات را به منصفی ظهور می‌رساند. دسته‌ی اول اقدامات مقدماتی که عبارت است از تفحص و تحصیل اطلاعات مخفی، دسته‌ی دوم عملیات اجرایی که عبارت است از ایجاد ارتباط و رساندن اطلاعات مزبور به کسانی که باید از آن بهره‌برداری کند.^۱ جاسوس و جاسوسی را شناختیم. همانگونه که می‌دانیم این جرم جنبه‌ی فراملی دارد. «به دلیل ماهیت فراملی، جاسوسی برخی از معاملات و کنوانسیون‌ها در سطح بین‌المللی به این جرم مخصوصاً در حال که در زمان جنگ ارتکاب می‌یابد پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به کنوانسیون چهارم، درمورد قوانین و عرف جنگ‌های زمین، منعقد در سال ۱۹۰۷ اشاره کرد که به مسأله جاسوسی در زمان جنگ و شیوه رفتار با جاسوسان از سوی دولت متخاصم پرداخته است. پروتکل دوم کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو در مورد حقوق بشر دوستانه که در ۸ ژوئن ۱۹۷۷ به اتفاق آراء تصویب شد کشورهای مختلف هم از زمان‌های دور، قوانین را در مورد جاسوسی وضع کرده‌اند برای مثال کنگره‌ی آمریکا در سال ۱۹۱۷ (در راستای جنگ جهانی اول) قانون جاسوسی را وضع کرد.^۲ جرم جاسوسی جنبه‌ی فراملی دارد به گونه‌ای که امکان دارد جاسوسی، مبادرت به انتقال اطلاعات مخفیانه و مهم یک کشور به کشور دیگر نماید و دو کشور با یکدیگر درگیر شوند. در این میان این جرم می‌تواند در قالب جهانگردی صورت گیرد. چه بسا جاسوسی برای مخفی کردن صورت خود، و برای رسیدن به مقصد نهایی، که همانا انتقال اطلاعات به انتقال گیرنده است، از پوشش مادی و ظاهری توریست استفاده کند. بدون شک چنین روشی برای اخفاء، این جرم را مرموز ساخته است، جاسوسی جرمی است که امنیت کشورها را خدشه‌دار می‌سازد. و اصل حاکمیت کشورها را به سهولت خدشه‌دار می‌نماید و اطلاعات مهم و حیاتی یک کشور اعم از سیاسی، نظامی، علمی و اقتصادی را برملا سازد. این تهدید، یعنی برملا شدن این اطلاعات، دستگاهها و سرویس‌های اطلاعاتی هر کشور را بر آن می‌دارد که تمامی مبادی ورودی و خروجی یک کشور، دستگاههای مهم دارنده‌ی اطلاعات، تحت نظارت و کنترل امنیتی قرار گیرد پس جاسوس، یا خود را توریست جلوه

۲- همان- ص ۳۹۴

۳- میرمحمدصادقی، دکترحسین - جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی - ص ۷۶-۷۷



می‌کند یا از صنعت توریسم برای انتقال اطلاعات مهم بهره می‌گیرد و از این دو منظر این جرم با گردشگری ارتباط می‌یابد. ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: هر کسی به قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن جاسوسانی را که مأمور تفتیش یا وارد کردن هرگونه لطمه به کشور بوده‌اند، شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آنان بشود به حبس از شش تا ۳ سال محکوم می‌شود. مفهوم مخالف، شرط برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن آن است که مثلاً چنانچه کسی جاسوسی را که مأمور تفتیش یا وارد کردن هرگونه لطمه به کشور بوده، شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای او گردد ولی این کار را نه به قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن، بلکه به جهات دیگری مثلاً به قصد نوع دوستی و ترحم، یا دام انداختن جاسوس و تحویل او به مقامات انتظامی و نظامی خودی، یا کسب اطلاعات مفید برای کشور انجام داده باشد، مشمول حکم این ماده نبوده، یا اصلاً مسئول شناخته نمی‌شود.^۱ در این میان، نمونه‌های تاریخی زیادی را می‌توان به میان آورد که به عنوان یک توریسم به جاسوسی هم پرداخته‌اند، یکی از این نمونه‌ها همفر، جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی است او در خاطرات خود می‌نویسد: در سال ۱۷۱۰ میلادی وزارت مستعمرات انگلستان مرا مأمور جاسوسی به کشورهای مصر، عراق، ایران، حجاز، و استانبول، مرکز خلافت عثمانی نمود. مأموریت من جمع‌آوری اطلاعات کافی به منظور جستجوی راه‌های درهم شکستن مسلمانان و نفوذ استعماری در ممالک اسلامی بود همزمان با من ۹ نفر جاسوس دیگر از بهترین و ورزیده‌ترین مأموران وزارت مستعمرات، در ممالک اسلامی اینگونه مأموریت‌ها را برعهده داشتند. در راه فراهم ساختن موجبات تسلط استعماری انگلیس و تحکم مواضع آن دولت، در نقاط استعمار شده فعالیت می‌کردند. من در حالی که از مأموریت خود خوشحال بودم با کشتی به مقصد استانبول مرکز خلافت اسلامی عزیمت کردم. پس از چند ماه، مسافرت طولانی و خسته

۱- پیمانی، دکتر ضیاءالدین - جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی - ص ۵۱



کننده سرانجام به دارالخلافه عثمانی رسیدم و پیش از پیاده شدن از کشتی نام محمد را برای خود برگزیدم.^۱

بند چهارم: مواد مخدر

یکی دیگر از بزه‌ها و جرایمی که علی‌الاصول می‌تواند از طریق گردشگری و سفر و حمل و نقل صورت گیرد حمل مواد مخدر به عنوان یک جرم فراملی و بین‌المللی است. در این تحقیق ترانزیت‌های عظیم و لرزاننده مواد مخدر در مرزهای سیاسی بین‌المللی می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. در ابتدا از اوایل دهه‌ی ۸۰، یک دسته از ملوانان نیجریه‌ای که در هند دوره می‌دیدند شروع به حمل هروئین به آسیای جنوب‌شرقی نمودند و به تدریج دامنه‌ی فعالیت خود را گسترده کردند، آنها افرادی را که عمدتاً از اتباع نیجریه بودند، برای حمل محموله‌های کوچکی از مواد اجاره می‌کردند. پولی که از این طریق به حاملان داده می‌شد بیشتر از دستمزد بود که می‌توانستند از راه کار شرافتمندانه در طول یک سال تحصیل نمایند لذا از آن استقبال می‌نمودند. شیوه‌های به کار رفته توسط این حاملان استفاده از کفش‌های پاشنه بلند، چمدان و غالباً قورت دادن بود که برای این منظور معمولاً ۱۵۰ عدد کاندوم محتوی هروئین توسط فرد بلعیده می‌شد و در مقصد تحویل دستیاران قاچاقچیان می‌گردید.^۲ البته گاهی در پس این سفرها سازمان‌های بزهکاری وجود دارد که به صورت حرفه‌ای و مستمر حمل مواد افیونی و مواد مخدر را به عهده می‌گیرد. به هر ترتیب، علیرغم اختلاف این گروه‌ها از حیث ساختار، منشأ، دامنه‌ی فعالیت، حجم فعالیت، تعداد اعضاء و ... همه آنها برای ارتکاب جرایم خود مدرن‌ترین هواپیماها، کشتی‌ها، وسایل نقلیه، رادار، تجهیزات ارتباطی و سلاح‌های پیشرفته را به خدمت می‌گیرند و از شبکه‌های خاص حمل و نقل و حتی توانایی‌های ضدجاسوسی برخوردار هستند و مبارزه‌ای را به مأموران اجرای قانون تحمیل می‌کنند که قبلاً هیچ گروهی

۲- خاطرات همفر - ص ۱۵-۱۶

۱- معظمی، شهلا - جرم سازمان‌یافته - ص ۹۰



تحمیل نساخته بود^۱. به هر روی سازمانهای تبهکار با تشکیلات خاص خود و با استفاده از پدیده‌ی گردشگری بازار بزرگ جهانی برای فروش محصولات خود می‌سازند و از این طریق سودهای سرسام‌آوری را در بانک‌های جهانی برای خود انباشته می‌سازند. آنچه می‌تواند در مسیر سفر صورت گیرد حمل موادمخدر چه به صورت فردی یا به وسیله‌ی سازمانهای تبهکار است. در ترانزیت موادمخدر، دو نقطه‌ی جهان از عمده‌ترین کشورهای ارسال کننده و ترانزیت موادمخدر هستند، اول منطقه مثلث طلایی، شامل کشورهای تایلند، برمه، لائوس است که اگر محصول یک ساله این مناطق بیار آید ۵۰٪ محصول تریاک جهان را شامل می‌شود، کشورهای مذکور بزرگترین صادرکننده‌ی هروئین به منطقه‌ی کشورهای آمریکایی بوده که بیشتر از ۷۱٪ هروئین قاچاق کانادا را تأمین می‌کند. منطقه دوم هلال طلایی افغانستان و پاکستان است که ۲۹٪ بقیه تریاک، هروئین و مورفین دنیا را تأمین می‌کند که در مثلث طلایی تولید می‌شود. عمده راههای سودآوری تریاک عبارتند از: ایران، کشورهای اروپایی (سوئد، آلمان، دانمارک، بریتانیا، هلند، نروژ و سوئیس)، آمریکای شمالی^۲. یکی از نویسندگان تحت عنوان طرق حمل و نقل هروئین می‌نویسد: مسافرت هوایی بیشترین حجم حمل و نقل هروئین را عهده دار است در مقابل انتقال از طریق پست در حال کاهش است. این نویسنده در ادامه و تحت عنوان راههای سودآوری اضافه می‌نماید: مهم‌ترین مکان‌های معامله قاچاق هروئین راههای زیر است:

- پاکستان، هند، سریلانکا، بنگلادش، تایلند، اندونزی
- کشورهای پاکستان، آفریقا به نیجریه، ساحل عاج، تانزانیا، کنیا، اوگاندا، اتیوپی، نگو، گینه، آفریقای جنوبی
- پاکستان، کشورهای اروپایی به هلند، یونان، بریتانیا، آلمان، سوئد

۱- همان-ص ۹۱

۲- احمدی، عبدالله - قاچاق - ص ۱۲۴



- پاکستان، عربستان سعودی (امارات متحده عربی، کشورهای آفریقایی)

- هند، سریلانکا، بنگلادش

- میانمار، چین

- چین، مکه، ژاپن (در موارد متعددی مقادیر کمی توسط مسافری به مکه قاچاق شده است و به ژاپن از طریق پست)^۱

یکی از نویسندگان تحت عنوان قاچاق یا سودآورترین تجارت جهانی می‌نویسد: کوکائین در مزارع کشورهای مثل پرو، بولیوی، کلمبیا و اکوادور کشت می‌شود پس از تسویه شدن در مراکز تصفیه به لطف و همکاری مأموران فاسد با قایق و هواپیما به مراکز حمل در آمریکای مرکزی، مکزیک و کارائیب، حمل و از آنجا به بازارهای مصرف در فلورایدا، تگزاس و کالیفرنیا در داخل خاک آمریکا ارسال می‌گردد این مثال به درستی خصیصه‌ی سازمان یافته و فراملی جرم قاچاق موادمخدر را نشان می‌دهد در کشور خود ما نیز کاروانهای قاچاق موادمخدر از مرزهای شرقی کشور وارد می‌شوند تا موادمخدر را علاوه بر توزیع در داخل کشور به سوی کشورهای اروپایی و آمریکا ارسال دارند.^۲ امروزه حتی توزیع موادمخدر در سطح خرد نیز به طور سازمان یافته صورت می‌گیرد. قاچاقچیان خرده پا، مانند توریست‌ها مقادیر کمی از موادمخدر مثل چند گرم هروئین یا یک کیلو ماری‌جوانا را به صورت مستقیم به افراد مورد اعتماد منتقل می‌کنند و سود کلانی را به دست می‌آورند برخی از قاچاقچیان نیز برای استفاده از مزایای قانونی مربوط به برخورد ملایم با کودکان از این افراد استفاده می‌کنند.^۳ بروز جنگ در افغانستان به عنوان عامل اصلی قاچاق موادمخدر به ایران و آوارگی بیش از ۳/۵ میلیون افغانی و پناهندگی آنان به ایران از دیگر عوامل عدم موفقیت مبارزه با قاچاق موادمخدر به شمار می‌رود، چون برخی از این مهاجران فقط مهاجر صرف نبوده‌اند بلکه عامل پوششی

۱- همان-ص ۱۲۷

۲- میرمحمدصادقی، دکترحسین - حقوق جزایی بین‌الملل - ص ۲۵۷

۳- رحمدل، دکتر منصور - سیاست جنایی ایران در قبال جرایم موادمخدر- ص ۱۰۹



مناسب برای قاچاق موادمخدر به ایران بودند. ضمن اینکه تعدادی از خود همین مهاجران نیز قاچاقچی موادمخدر هستند به نحوی که در سال ۷۹ تعداد ۴۰۷۵ نفر از اتباع افغانستان به اتهام قاچاق موادمخدر در زندانهای ایران به سر می‌برده‌اند که در مقایسه با تعداد اتباع خارجی دیگر بیشترین تعداد متعلق به افغانستان بوده است.^۱ به هر روی ترانزیت موادمخدر و دامنگیر شدن جامعه جهانی به این جرم، جامعه بین‌المللی را به مبارزه واداشت. با تشکیل جامعه ی ملل در سال ۱۹۲۰ و کمیته مشورتی برای قاچاق تریاک و سایر داروهای خطرناک و سپس با تأسیس سازمان ملل و تجدید فعالیت پلیس بین‌المللی تعدادی با نسبت زیاد کنوانسیون، پروتکل و اسناد مهم بین‌المللی در قرن بیستم میلادی به تصویب رسید و چند ارگان بین‌المللی نیز برای اجراء یا نظارت بر اجرای مصوبات بین‌المللی تأسیس شد از قبیل: الف: هیأت دائمی مرکزی تریاک ب: هیأت کنترل بین‌المللی موادمخدر ج: برنامه کنترل موادمخدر که به دفتر مقابله با موادمخدر و جرم تغییر عنوان یافته است د: کمیسیون موادمخدر سازمان ملل متحد و کمیسیون‌های فرعی و منطقه‌ای.^۲

بند پنجم: تروریسم

در مورد تاریخچه‌ی واژه‌ی تروریسم آنگونه که فرهنگ انگلیسی آکسفورد بیان شده این واژه برای اولین بار در سال ۱۷۹۵ میلادی برای توصیف حکومت ترس و وحشت که در فرانسه در فاصله‌ی انقلاب سال ۹۴-۱۷۸۹ حاکم بود به کار رفت. البته واژه‌ی ترور به معنای عام آن از اواخر قرن چهاردهم به کار می‌رفت و نمایانگر حالت ترس و وحشت شدید بوده است. در سطح حقوق بین‌المللی اصطلاح تروریسم برای اولین بار در جریان سومین کنفرانس بین‌المللی کردن حقوق جزا در بروکسل در سال ۱۹۳۰ به کار رفت.^۳ ترور هم یکی از جمله جرایمی است که جامعه ی بین‌المللی به نوعی با آن درگیر است. این جرم نیز می‌تواند در

۲- همان - ص ۱۱۶-۱۱۷

۱- اسعدی، دکتر سید حسن - موادمخدر و روانگردان در حقوق جنایی ملی و بین‌المللی - ص ۱۳۰

۱- جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی - ص ۱۳۱



پوشش یک گردشگر صورت گیرد یا از سفر و گردشگری برای ترور بهره گرفته شود. ترور، گاهی سیاسی است که با اهداف سیاسی انجام می‌شود و گاهی غیرسیاسی است. اهدافی مثل اخاذی همین‌طور تروریسم گاهی داخلی و گاهی بین‌المللی و خارجی است.^۱ واژه تروریسم از فعل ترور مشتق شده است که در لغت به معنای ایجاد رعب و هراس در بین مردم و یا مرعوب ساختن دیگران می‌باشد. در فرهنگ آکسفورد تروریسم به وحشت فزاینده یک شخص یا چیزی که وحشت فزاینده‌ای تولید کند، تعریف شده است این فرهنگ ذیل این تعریف، اضافه می‌کند که تروریسم توسل به خشونت برای اهداف سیاسی یا اجبار حکومت به انجام فعل یا ترک فعلی به این وسیله که در بین مردم تولید وحشت کند، چنانچه مشاهده می‌شود تعریف تروریسم ایجاد وحشت در بین مردم برای تحت فشار گذاشتن حکومت می‌باشد به همین دلیل جهت برگرداندن مناسبی در زبان فارسی می‌توان از اصطلاحات وحشت‌افکنی یا دهشت‌افکنی استفاده کرد.^۲ آنچه در ترور نشانه می‌رود، امنیت ملی است و یا آرامش و ایجاد ثباتی که بر زندگی فردی و اجتماعی مردم حاکم است. تروریست‌ها ممکن است برای اینکه بتوانند به مقاصد سیاسی یا حتی، غیرسیاسی خود دست یابند به ترور افراد گروه‌های غیرسیاسی دست بزنند. «تروریست‌ها برای رسیدن به هدف، ایجاد ناامنی در جامعه، اصولاً افراد و اهداف غیرنظامی بی دفاعی را مورد هدف قرار می‌دهند که عادتاً انتظار حمله به آنها نمی‌رود. درست به همین دلیل، تروریسم غالباً رعب و وحشت بسیار زیادی تولید می‌کند و همگان احساس ناامنی می‌کنند. روشن است در چنین فضایی بسیاری از حقوق بشر یا مستقیماً نقض می‌شود و یا به طور غیرمستقیم، محدود یا معلق می‌گردد»^۳. ترور با ایجاد رعب و وحشت فزاینده خود می‌تواند امنیت ملی را خدشه‌دار سازد که در جای خود بدان پرداخته می‌شود. بن مایه‌ی ترور، ایجاد ترس و وحشت عمومی است. به نظر می‌رسد آنچه از ترور در این بخش عرضه شد با ماده ۱۸۵ قانون مجازات امکان قرابت‌هایی را داشته باشد.

۲- همان - ص ۱۳۲

۱- عبدالهی، دکتر محسن، تروریسم حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

۲- همان - ص ۹۶



نتیجه گیری

بدنبال سفر و جهانگردی که در حالت عادی و فارغ از موضوع فوق الذکر رخ می دهد فرد برای کسب نداشته ها و رفع حاجات خود که بسته به هر فرد متغیر است دست به سفر و جهانگردی می زند اما اینجاست که بر اثر تکرار و تداوم این جریان فرهنگ و آیین غیربومی به تدریج اثر خود را می نهد بدان سان که روابط آزاد زن و مرد و تفریحاتی که برای او در آن سوی مرزهای جغرافیایی امری بدیهی شمرده می شود. در رهگذر این دو نگاه کلی و عمده است که جرم هم رخ می دهد یعنی آنچه فرهنگ و آیین غیربومی با فعالیتهای رسانه ای و فرامرزی خود انجام می دهد و جذابیهایی را برای هر شخص ایجاد می کند و به دنبال آن سفر رخ می دهد، و آنچه که فارغ از حالت فوق رخ می دهد به گونه ای که فرد به تبع نیاز دست به سفر می یازد. در فصل دوم هم جهانگردی و سفر می تواند عامل و پوشش مناسبی برای محو عملیات مجرمانه ی یک تبهکار به شمار آید. جرایمی که اگر سفر همراه آن نباشد محقق نمی شود مثل قاچاق انسان و مواد مخدر و هواپیماربایی.

پیشنهادات:

۱- انسان موجودی پیچیده است که می باید در هر زمان و دوره ای از زندگی وی برنامه ای وجود داشته باشد تا نیازهای وی مرتفع شود. بدون شک اگر این نیازها در قالب و چهارچوب خود مرتفع نشود، تبدیل به یک بحران می شود.

بدان سان که می تواند پایه های بنیادین یک اجتماع را با چالشهای جدی روبرو کند. آنچه می تواند در این بحث پراهمیت جلوه کند مساله مهم آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش که همگام با مقتضیات هر زمان و دوره ای باشد. وقتی آموزش و پرورش از شاخصه های مهم در جهت تقویت آموزه ها و ارزشهای یک اجتماع برخوردار باشد نتیجه آن می شود که هنجارهای نهادینه شده تحت هیچ شرایط زمانی و مکانی ضعیف نمی شوند و آنچنان متزلزل نمی شوند که با پدیده ای به نام سفر و جهانگردی از میان بروند.



پس این مقوله عاملی بسیار اثرگذار در راستای تقویت ارزشهای بومی و هنجارهای دیرینه و نهادینه به شمار می‌رود.

۲- خانواده مهمترین نهاد اجتماعی به شمار می‌رود. خانواده اولین مدرسه‌ای که در آن زیربنای شخصیت هر فرد شکل می‌گیرد و مهمترین پیامهای اخلاقی و اجتماعی در این دوران به فرد القاء می‌شود. حال تعلیم و تربیت مترقی، میتواند هنجارها و ارزشها را در وجود یک فرد چنان نهادینه و استوار سازد که این ارزشهای و هنجارها تحت هیچ شرایطی دستخوش ضعف و تزلزل نشوند.

۳- رسانه پدیده‌ای است که به موازات عمر یک انسان با وی همراه و همگام است. رسانه‌ها خصوصاً رسانه‌های سمعی و بصری به جهت خاصیت مهمی که دارند و آن جمعیت کثیر مخاطبین است، قدرت فزاینده‌ای در تقویت و یا تضعیف هنجارها و ارزشها در شخصیت یک فرد دارد. رسانه‌ای همچون تلویزیون می‌تواند مفاهیم و هنجارها را با بیانی خاص و باور پذیر به گیرنده معنا و مفهوم القاء کند و به محض پذیرش این مفاهیم و هنجارها از سوی مخاطب در صدد تقویت و تثبیت برآید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع و ماخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- دکتر نجفی توانا، علی - نابهنجاری و بزهدکاری در کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات آموزش و سنجش - چاپ سوم - ۱۳۸۸
- ۳- دکتر توانا، حمید - تهران دین و جامعه - دفتر نشر فرهنگ اسلامی - چاپ دوم - بهار ۶۹
- ۴- سلاحی، جعفر - اساس و مبانی جرم‌شناسی - انتشارات جاودانه - چاپ دوم - ۱۳۸۸
- ۵- دکتر اسعدی، سید حسن - مواد مخدر و روانگردان در حقوق جنایی ملی - بنیاد حقوقی میزان - چاپ اول - زمستان ۱۳۸۸
- ۶- دکتر بهشتی، احمد - انسان و قرآن - کانون نشر - چاپ سوم - ۱۳۶۳
- ۷- اشتری، بهناز - قاچاق زنان - نشر میزان - چاپ اول - پاییز ۱۳۸۵
- ۸- مبلغی، عبدالمجید - تروریسم پژوهی - پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - چاپ اول - ۱۳۸۹
- ۹- ژان پیازه - شکیباپور، عنایت اله (ترجمه) - انتشارات نیما - چاپ اول
- ۱۰- دکتر عبداللهی، محسن - توریسم (حقوق بشر و حقوق دوستانه) - موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی - تهران، چاپ اول - سال ۱۳۸۸
- ۱۱- دکتر موسایی، میثم - اقتصاد توریسم - موسسه تحقیقات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران - چاپ اول - زمستان ۱۳۸۶
- ۱۲- محلاتی، صلاح الدین - جستاری در هنگام فراغت - دانشگاه بهشتی - سال ۱۳۸۸



- ۱۳- دکتر روشندل، جلیل - امنیت ملی و نظام بین‌المللی - انتشارات سمت - چاپ پنجم - تابستان ۱۳۸۷
- ۱۴- دکتر محسنی، منوچهر - جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی - انتشارات طهوری - چاپ اول - ۱۳۸۶
- ۱۵- دکتر رنجبریان، بهرام - شناخت گردشگری - انتشارات چهارباغ - چاپ هفتم - ۱۳۸۹
- ۱۶- کاظمی، زهرا - شناخت روحیات ملل - چهارباغ - چاپ دوم - سال ۱۳۸۸
- ۱۷- ممتاز، فریده - انحرافات اجتماعی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها) - شرکت انتشار - چاپ سوم - سال ۱۳۸۷
- ۱۸- دکتر میرمحمد صادقی، حسین - جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی - نشر میزان - چاپ سوم - سال ۱۳۸۰
- ۱۹- دکتر پیمانی، ضیاءالدین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ سوم، بهار ۱۳۷۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی